میکرو فیلم تهیه شد

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب ترجمه اعتقادات

فارسی

مصنف
مؤلف علامه مجلسی دوم - مترجم شیخ حسین (ا اولیاء یافتی

خطی شکسته نستعلیق مختلف العرض

چاپی

سال چاپ یا تحریر ۱۳۲۷ عدد اوراق ۱۰۱

جزء کتب عقاید شماره

شماره عمومی ۷۲۹۵ شماره قبض

واقف مولف رساله آقا شیخ محمد حقیقت تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۲۹

طول نا هموار ۱۸ عرض ۱۱ گنجه

۲۱۶۰

بسم الله الرحمن الرحیم

هو الواقف علی الضمائر و السرائر وقف مؤبد و حبس مخلد نمود
جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای شیخ محمد سبط مرحوم مبرور رحمة الاسلام
آقای حاج شیخ علی اکبر نهاوندی طاب ثراه حسب الوصیة غفرانمآب
شیخ حسین اولیاء بافقی علیه الرحمه این جلد کتاب را بر کتابخانه
آستان قدس رضوی طبق شرائط مقرره کتب خطی کتابخانه مبارکه
و صیغهٔ وقف چنین جاری شد بتاریخ دهم رجب هزار
و سیصد و شصت و نه

بازبینی شد
۱۳۵۲ خ

کتابخانه آستان قدس
وقف ...

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس و ثنا و حمد از برای واجب الوجودی سزا است که اشیا را از کتم عدم بعرصه
وجود آورد و درود بی منتها از برای پیغمبری روا است که اول ما خلق الله نوری
فرموده است و بر آل او که راه نمایان خلقانند و لعنت بی شمار بر دشمنان ایشان
که گمراه و گمراه کنندگانند پس بعد می گوید بنده کمترین کار فلان بن فلان
که چون دیدم رساله کوچکی از مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه و نور الله مرقده
که بسیار مفید بود برای خواص و عوام و چون بزبان عربی بود عوام از آن
حظی نبود لذا چند وقتی بود که کمترین در فکر بودم که فارسی کنم و توفیق
نمی یافتم و سبب عدم توفیق این بود که بعضی از رفقای کمترین را دلسرد
کرده بودند از درس خواندن تا بحدی که خیال کردم درس نخوانم درباره
گفتگو شده ما بین بنده و رفقا بعضی از انها منکر بود علم و اهل علم را و می گفت
درین زمان ثمری ندارد و باید از پی کسبی گرد تا عزیز بوده باشد جاهل
هر یک از انها سخنی و حرفی می زدند که لازم این حاصل بردی از علم و اهل
علم و من بود و نبود این هر کجه فقیر بنده و خیال میکردند که طمع از ایشان
دارم و حال اینکه اگر انسان اندک شعوری داشته باشد طمع با حدی
نباید داشته باشد بجهة اینکه خاتم النبیین میفرمایند طمع فقر حاضر است
اگرچه بتوفیق خداوند تبارک و تعالی و ائمه معصومین جمیع انها را
بمباحثه و احادیث اهل بیت عصمت که در مذمت دنیا و اهل دنیا

رسیده است و بعکس آن در مدح علم و اهل علم رسیده است ساکت و مات
کردم و مجالست با ایشان را بسیار کم کردم انشاء الله توفیق از جانب حق
بیابم که ابداً با این جماعت مجالست نکنم که مجالست با این جماعت یکی
از آن ثلاثه می باشند که بصریح فرمایش حضرت عقل کل قساوة قلب
برای انسان حاصل می شود حدیث آن مشهور است و حدیثی که شیخ بهائی اعلی الله
مقامه و دیگران از علماء رضوان الله علیهم نقل کرده اند در کتبشان اگر
انسان بصیر بوده باشد و دوستی حضرة حق و ائمه طاهرین سلام الله علیهم در دل
او قرار گرفته باشد دل سرد میشود از دنیا و ما فیها و آن حدیث شریف
حاصل معنی آن بدین نحو است که در زمان حضرت رسول اکرم شخص فقیری
نزدیک یک مرد غنی نشست آن مرد غنی لباس خود جمع کرد حضرت
رسول صلعم ملتفت شدند و فرمودند ایا ترسیدی که فقر او بتو بچسبد یا
غنای تو بچسبد باو آن مرد غنی گفت یا رسول الله شیطانی با من می باشد که مرا
باین کار وا داشت نصف مال خود را باو میدهم حضرت باین مرد فقیر
فرمودند که قبول می کنی عرض کردند ای رسول خدا سؤال کردند آن وجه
اقدس از سبب آن عرض کردن فقیر که می ترسم داخل شود مرا انچه
داخل شده است او را و حدیثی درباره آن شخصی که در زمان پیغمبر بود
و بسیار فقیر بود و مقدس و نماز جماعت او ترک نمی شد در اغلب
از کتب حدیث ذکر شده است که حضرت دل مبارکشان سوخت
درباره او و چیزی دو درهم اورد حضرت بان مرد دادند و مشغول دنیا شد
و کار او بجائی رسید که نماز جماعت را بالکلیه ترک کرد بعد از آن
حضرت پیغمبر محزون شدند از حال آن مرد که نحو حال منقلب شده دلشان قدر
مشغول از برای او پیدا شد جبرئیل نازل شد و عرض کرد آن دو درهم را که
باو داد بگیر پیغمبر حضرت رسول آن دو درهم را از او گرفتند آن مرد

ان تلك المصلحة قد ضاعت ورفعت اعلام
الضلال والطغيان وغلبت احزاب الشيطان
وعلم انهم اعداء الله صريحاً تبرأ منهم وكان
يكفرهم في عقايدهم الباطلة وانا اعرف
بطريقته وعندي خلافه في ذالك ولكن
هذا اخر ما اردنا ايراده في هذه الرسالة
وارجوا من الله تعالى ان ينفعك بما القيت فصل
اليك والتمس منك ان لا تنساني في مظان
اجابة الدعاء وفقنا الله واياك لما يحب
ويرضى ويجعلنا واياك ممن يذكر فتنفعه
الذكرى امين امين يا رب العالمين

مصنف ره می فرمایند دیگر اینکه گمان کنی پدر من علامه که این صفه
دارد علامات نور الله ضریحه اینکه بعض از صوفیه یا
اعتقاد داشته مسلک این جماعت را مذهب ایشان را حاشا
وکلا که اعتقاد داشته باشد درباره این بزرگوار این نحو
از اعتقادات وچگونه می باشد از این طائفه وحال اینکه
بود این بزرگوار زیاده تر از اهل زمان خوش باخبار
اهل بیت عصمت وطهارت واعلم واعمل ایشان باخبار

بلکه

بلکه بود مسلک این بزرگوار زهد وورع وبود در ابتداء امر که نامیده
باسم تصوف جهة اینکه رغبت ومیل کنند بعض جناب ایشان
این طائفه ووحشت نکنند از این بزرگوار پس رد کند این جماعت را
از این اقاویل فاسده وعملهای مبتدعه وبتحقیق هدایت کرد
این بزرگوار بسیاری از این جماعت را بسوی حق بتم با این مجادله
حسنة وچون دید این بزرگوار در اخر عمر شریف ایشان اینکه این مصلحت
ضایع شد وبلند شد نشانهای گمراهی وطغیان وغالب شدند
لشکرهای شیطان ودانستند این وجه مبارک اینکه این جماعت
دشمنان حق تعالی می باشند عظم شانه بطور صریح ویقینی بیزار
شد این بزرگوار از این جماعت وبود این وجود مبارک که حکم
بکفر این جماعت می کردند در عقاید شان اینچنان عقایدی که
باطل بود وبعد مصنف ره می فرمایند ومن اعرف می باشم بطریقه
والد خود نور الله مرقده ودر نزد من می باشد خلاف این در این
اعتقاد وهر اینه می باشد این اخر انچه اراده داشتیم ما ایراد این را
در این رسالة وامید دارم من از فضل خدا اینکه نفع به همه
ترا بانچه القاء کردم من بسوی تو والتماس دارم من از تو اینکه
فراموش نکنید مرا در مظان اجابة دعا وتوفیق به همه ما را حق
تعالی وشما را از کسانیکه [illegible] ذکر می کنند پس [illegible] پس نفع
می دهد اورا ذکر مستجاب کن تو ای پروردگار
عالمین تمام شد رسالة سیر وسلوک مصنف ره خدایا بحق محمد وال
محمد بیامرز این عالم بزرگوار ودرجات او را بلند کن وهمچنین
جمیع مؤمنین ومؤمنات را بحق محمد واله تمام شد بدست شارح
این احقر کمترین حسین بن اسمعیل استر رضای [illegible] در دار العباده یزد
۱۳۲۳
بتاریخ چهاردهم شهر ذی حجة الحرام

غرض نقشیست کز ما باز ماند که هستی را نمی بینم بقائی

بازبینی شد ۱۳۷۱
کتابخانه آستان قدس
سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد